



Sociological Critique of the Conflicts Reflected in the Tales of Kalileh and Damneh

Amin Banitalebi Dehkordi^{*1}, Ebrahim Zaheri Abdevand²

1* Department of Persian Language and Literature Education, Farhangian University, Tehran, Iran.

2Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. zaheri@sku.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Received:

06/11/2024

Accepted:

21/05/2025

The reflection of different types of conflict in literary works shows the artist's view of society, the understanding of the interests of the people of the time, the relationship between the social and cultural situation and the events of the story, and the depiction of the dominant conflicts in each historical period. In this study, the different types of conflict and their causes and social consequences in Kalileh and Damneh have been examined based on the documentary method. The results of the study show that most conflicts in this work are between humans and more emphasis is placed on their transpersonal and physical dimensions. This indicates the importance of social interactions and the tangibility of interpersonal relationships and the highlighting of the problems of society's jobs. The four reasons: residence, wealth, deceit, and the way of interaction between husband and wife have been more important in creating conflicts. The prominence of economic reasons and deceit is due to economic turmoil and the implementation of divisive policies by the Turkish kings. The most conflicts have arisen over the three values of betrayal versus trust, love of family versus protection of the kingdom, and preservation of life versus food security. Regarding social classes, most conflicts have been between the artisanal and lower classes of society, and most conflicts have been between the male sex. The most significant reasons that have established the primitive order or changed the course of conflicts have been the power of thought, physical strength, and socio-political base. The prominence of the power of thought indicates an effort to awaken a nation that has engaged in superstitious matters due to government pressures, and paying attention to the component of physical power can be an allusion to the warlike nature of kings.

Keywords: Kalileh and Damneh, conflict, sociological criticism, norm, gender

Cite this article: Banitalebi Dehkordi, Amin., Zaheri Abdevand, Ebrahim.(2025). Sociological Critique of the Conflicts Reflected in the Tales of Kalileh and Damneh, *Interdisciplinary research in persian Language and literature*, Vol. 3, New Series, No.2, Autumn and Winter 2025. pages: 177-201.

DOI:10.30479/irpli.2025.21153.1216



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

* **Corresponding Author:** Amin Banitalebi Dehkordi

Address: Department of Persian Language and Literature Education, Farhangian University, Tehran, Iran.

E-mail: a.banitalebi@cfu.ac.ir



نقد جامعه‌شناختی کشمکش‌های بازتاب‌یافته در حکایت‌های کلیله‌ودمنه*

امین بنی‌طالبی دهکردی^{۱*}، ابراهیم ظاهری عبده‌وند^۲

۱. گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران .

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران .

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳/۰۸/۱۶

پذیرش:

۱۴۰۴/۰۲/۰۱

بازتاب گونه‌های مختلف کشمکش در آثار ادبی، نشان‌دهنده نوع نگاه هنرمند به جامعه، شناخت علایق مردم روزگار، چگونگی ارتباط بین وضعیت اجتماعی و فرهنگی با فراز و فرودهای داستان و نمایش کشمکش‌های غالب در هر دوره تاریخی است. در این پژوهش، گونه‌های مختلف کشمکش و علل و پیامدهای اجتماعی آن‌ها در کلیله‌ودمنه براساس روش اسنادی بررسی شده‌است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بیشترین کشمکش‌ها در این اثر، بین انسان با انسان بوده و بیشتر بر جنبه فرافردی و بُعد جسمانی آن‌ها تأکید شده‌است. این امر نشان‌دهنده اهمیت تعاملات اجتماعی و ملموس‌سازی روابط بین‌فردی و برجسته‌سازی مشکلات مشاغل جامعه است. چهار عامل سکونتگاه، ثروت، نیرنگ و شیوه تعامل زن و شوهر، اهمیت بیشتری در ایجاد کشمکش‌ها داشته‌اند. برجستگی عوامل اقتصادی و نیرنگ، به سبب آشفتگی‌های اقتصادی و اجرای سیاست‌های تفرقه‌افکنانه از جانب سلاطین ترک است. بیشترین کشمکش بر سر سه ارزش خیانت در برابر اعتماد، عشق به خانواده در برابر حفاظت از پادشاهی و حفظ جان در برابر تأمین غذا ایجاد شده‌است. در حوزه طبقات اجتماعی، بیشتر کشمکش طبقه پیشه‌وران و پایین‌دست جامعه برجسته شده و اغلب کشمکش‌ها، بین جنس مذکر بوده است. چشمگیرترین عواملی که سبب برقراری نظم ابتدایی یا دگرگونی جریان کشمکش‌ها شده‌اند، نیروی خرد، قدرت جسمانی و پایگاه سیاسی - اجتماعی بوده است. برجستگی عامل خرد، نشان‌دهنده تلاش برای بیدارکردن ملتی است که در اثر فشارهای حکومت، به امور خرافی پرداخته‌اند و توجه به عامل قدرت جسمانی می‌تواند تعریضی به خوی جنگ‌طلب حاکمان داشته باشد.

کلمات کلیدی: کلیله‌ودمنه، کشمکش، نقد جامعه‌شناختی، هنجار، جنسیت.

استناد: امین بنی‌طالبی دهکردی، امین. ابراهیم ظاهری عبده‌وند، ابراهیم. (۱۴۰۳). نقد جامعه‌شناختی کشمکش‌های بازتاب‌یافته در حکایت‌های کلیله‌ودمنه، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال سوم، دوره جدید، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۳: ۱۷۷-۲۰۱.

DOI : 10.30479/irpli.2025.21153.1216

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

حقوق مؤلف © نویسندهگان.



۱. مقدمه

وقتی شخصیت انگیزه و هدف خود را مشخص می‌کند و برای رسیدن به آن، دست به کنش می‌زند، موانعی بر سر راه او شکل می‌گیرد که این امر منجر به کشمکش بین او و نیرو یا نیروهای مقابل و مخالف می‌شود. «کشمکش حاصل درگیر شدن شخصیت‌ها با مسائلشان و برای حل آن‌هاست؛ یعنی از لحظه‌ای که دچار مسئله و با موانع حل آن درگیر می‌شوند، کشمکش شروع و داستان هم تازه در عمل آغاز شده‌است» (سناپور، ۱۳۹۳: ۱۲۱). این کشمکش‌ها نقش مهمی در ایجاد جذابیت در هر روایت دارند؛ زیرا موجب گره‌افکنی و تعلیق در داستان می‌شوند، آن را به حرکت درمی‌آورند، درونمایه داستان را به دست می‌دهند، صحنه داستان را ملموس و واقعی، هویت شخصیت‌ها را آشکار می‌کنند، باورها و اعتقادات آنان را نشان می‌دهند و از همه مهم‌تر، نقش مهمی در برجسته کردن نوع نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی در این باره دارند. «جدال یا کشمکش روایت چنان نقش مهمی در طول تاریخ ضبط شده روایت داشته که می‌توانیم اهداف فرهنگی مهمی برای آن قائل شویم. یک احتمال موجه، این است که بازنمایی کشمکش در روایت این امکان را برای فرهنگ‌ها ایجاد می‌کند که درباره کشمکش‌ها صحبت و احتمال آن‌ها را حل کنند؛ کشمکش‌هایی که فرهنگ‌ها را در معرض خطر از هم‌گسیختگی قرار می‌دهند یا دست‌کم بقا را برایشان دشوار می‌کند [...]». مهم‌ترین نوع کشمکش میان موجودهای روایت، کشمکش‌هایی هستند که درباره ارزش‌ها، تصورات، عواطف و جهان‌بینی‌اند. البته هیچ فرهنگی نیست که چنین کشمکش‌هایی در آن یافت نشود؛ بنابراین، روایت ممکن است نقش اجتماعی مهمی ایفا کند؛ به این صورت که محملی باشد برای اثبات حقایق هر کدام از دو طرف، یا برای مذاکره درباره ادعاهای دو طرف، یا فقط برای اینکه راهی به انسان‌ها نشان دهد تا بتوانند با کشمکشی که حل‌ناشدنی است، کنار بیایند» (ابوت، ۱۳۹۷: ۱۱۳).

همچنین کشمکش‌ها نشان می‌دهند در هر دوره تاریخی و اجتماعی، چه نوع کشمکش‌هایی بین مردم رایج بوده است، مخاطبان، به چه نوع کشمکش‌هایی توجه بیشتری داشته‌اند و به صورت کلی، ارتباط بین وضعیت اجتماعی و فرهنگی با کشمکش‌های داستان چگونه است؛ کشمکش‌هایی که انواع مختلفی در هر داستان دارد: «شخصیت یا شخصیت‌های اصلی، ممکن است با شخصیت یا شخصیت‌های دیگر دربیفتند؛ یعنی انسان علیه انسان‌های دیگر برخیزد یا شخصیت ممکن است در کشمکش با نیروهای خارجی، یا موانع طبیعی، یا قوانین اجتماعی، یا سرنوشت و تقدیر باشد؛ یعنی انسان علیه محیط و سرنوشت خویش عصیان کند، یا شخصیت ممکن است با خودش کشمکش داشته باشد؛ یعنی انسان علیه خودش طغیان کند یا می‌تواند ترکیبی از همه این‌ها در برابر شخصیت بایستد» (صادقی، ۱۳۸۵: ۷۳).

به سبب اینکه ادبیات پیوند ناگسستنی با جامعه دارد، می‌توان با ژرف‌نگری در لایه‌های زیرین داستان‌ها که نقطه کانونی‌شان، کشمکش است، اوضاع و احوال روزگار نویسنده را دریافت و در نهایت به شناخت مردم، افکار و آداب، هنجارها و ارزش‌های آنان نائل شد؛ به خصوص آنکه ترجمه این اثر به شکل آزاد اتفاق

افتاده و نصرالله منشی در پرداخت داستان‌ها دخل و تصرف کرده‌است. برخی معتقدند مضمون حکایت‌ها در کلیله‌ودمنه به اقتضای جهان‌بینی و فرهنگ و عرف مترجمان تغییر کرده‌است و در زبان فارسی نیز بی‌تردید با توجه به دیدگاه‌های کلامی رایج در زمان نویسندگان و اوضاع سیاسی و اجتماعی آن دوران، مضامین تغییر کرده یا مضامین دیگری از حکایت‌ها برداشت شده‌است (تقوی، ۱۳۷۶: ۸۰)؛ از این رو، می‌توان چنین اندیشید که ترجمه این اثر به زبان فارسی، نه از روی تفنن و تصادف، بلکه حاصل تدبیر و نیاز جامعه، فرهیختگان و طبقات برگزیده بوده‌است.

در بررسی عنصر کشمکش در هر روایتی، می‌توان به پرسش‌های مختلفی پاسخ داد؛ اینکه عامل کشمکش‌ها چیست؟ کدام نوع کشمکش‌ها بیشتر بازتاب یافته‌است؟ این کشمکش‌ها چه نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی را نشان می‌دهند؟ هر کدام از نیروهای مقابل، از چه ویژگی‌ها یا ارزش‌هایی دفاع می‌کنند؟ (گریفیث، ۱۴۰۰: ۷۰) که هدف در این پژوهش نیز پاسخ‌دادن به این پرسش‌ها براساس حکایت‌های کلیله‌ودمنه و برمبنای روش اسنادی است. اهمیت این نوع پژوهش‌ها، در این است که هم نشان می‌دهد از جنبه فنی، عنصر کشمکش در این اثر مهم و تأثیرگذار در پهنه ادب فارسی چه ویژگی‌هایی دارد و هم اینکه نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی و تاریخی دروه آفرینش اثر در شکل‌گیری این عنصر چگونه بوده است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی درباره نقد جامعه‌شناختی کشمکش در کلیله‌ودمنه انجام نشده؛ اما درباره مسائل اجتماعی در این اثر، پژوهش‌هایی نوشته شده است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود: خلیفه در پایان‌نامه خود با عنوان «نقد و بررسی جامعه‌شناختی کلیله‌ودمنه» (۱۳۹۰) ضمن بیان نظریات جامعه‌شناسی لوکاج، گلدمن و وبر، مسائل جامعه‌شناختی چون قشرهای مختلف، آداب‌ورسوم و معضلات و اوضاع اجتماعی قرن ششم را بررسی کرده است. شریف‌پور و محمدی در مقاله «اندیشه سیاسی در کتاب کلیله‌ودمنه» (۱۳۸۷) به این نتیجه رسیده‌اند که اندیشه سیاسی کتاب کلیله‌ودمنه در زمینه‌های نفی ستم، نفی حسادت، تدبیرهای مختلف در برابر دشمن درباره ستایش عدالت و اهمیت رایزنی با خردمندان و پرهیز از ناصالحان در مملکت‌داری است. تمایز میان پژوهش حاضر با پژوهش‌های مذکور و انجام‌شده درباره کلیله‌ودمنه، در این است که در این پژوهش، ضمن نشان‌دادن انواع کشمکش‌ها، تأثیر طبقه اجتماعی افراد بر کشمکش‌ها، ارزش‌ها و هنجاری‌های مورد کشمکش، علل اجتماعی کشمکش‌ها و ارتباط آن‌ها با وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بررسی می‌شود؛ موضوعی که تاکنون در هیچ پژوهشی به آن پرداخته نشده‌است.

۲. بحث و بررسی

۱-۲. انواع کشمکش در کلیله‌ودمنه

در حکایت‌های کلیده‌ودمنه، چشمگیرترین پیکارها، بین انسان با انسان شکل گرفته‌است. علت کاربرد این نوع کشمکش، در این است که قابلیت نمایشی بیشتر دارد، به زندگی واقعی نزدیک‌تر و به این سبب عینی‌تر است و آدم‌ها معمولاً به درگیری‌شان با خودشان بیشتر توجه نشان می‌دهند تا به تنش با خود یا طبیعت و نیروای فراطبیعی (سناپور، ۱۳۹۴: ۳۸). بسامد بالای کشمکش انسان با انسان در کلیده‌ودمنه، نشان‌دهنده این است که در این اثر، توجه اصلی، به روابط بین انسان‌ها و تعاملات اجتماعی آنان است؛ درواقع، حکایت-پرداز یا به‌دنبال‌نشان‌دادن ویژگی‌های مثبت و منفی افراد یا تغییر و تحولات مادی و معنوی در جامعه داستانی بوده‌است.

از نظر گونه‌شناسی، در این اثر، معمولاً دو شخصیت با یکدیگر دچار کشمکش می‌شوند که در وضعیت ثانویه و گره‌گشایی داستان، شخصیت خردمند و چاره‌گر (معمولاً شخصیت مثبت) بر شخصیت مقابل خود (منفی) پیروز می‌شود؛ مثلاً بوزینه در وضعیت تغییریافته، با استفاده از درایت خود، متوجه دسیسه باخه می‌شود و جان خود را نجات می‌دهد (ر.ک منشی، ۱۳۸۶: ۲۴۴). شغال زاهد با بهره‌گیری از خردمندی خود، توطئه‌گری و هم‌دستی اطرافیان شیر را برای نابودی‌اش خنثی می‌کند و بی‌گناهی‌اش را به اثبات می‌رساند (ر.ک همان: ۳۱۶). همچنین، این موضوع را در کشمکش‌های دیگر نظیر کشمکش میان بازرگان و امین (همان: ۱۲۲)، غوک و مار (همان: ۱۱۸) و غلام و زن مرزبان (همان: ۱۵۲) می‌توان مشاهده کرد.

در نوعی دیگر از این کشمکش، شخصیت به سبب تفاوت در سبک زندگی و ایدئولوژی، فردی تنها در جمع است که دیگران سعی دارند او را در بهره‌مندی از لذایذ دنیوی هم‌رنگ خود سازند و از اینکه او به گونه‌ای دیگر می‌اندیشد، با او جدال دارند؛ زیرا در «فضای حکومت استبدادی، هر فرد یا نیرو یا جناح سیاسی با این هنجار مورد داوری قرار می‌گیرد که هر که با ما نیست بر ماست» (قاضی‌مرادی، ۱۳۸۰: ۲۳۶)؛ مثلاً در کشمکش شغال زاهد با یاران و هم‌نوعانش، شغال زاهد به سبب برخورداری از بصیرت، دنیا و متعلقات آن را فناپذیر می‌داند و برخلاف یارانش، از شکار و خوردن گوشت و ایدای جانوران پرهیز می‌کند. بدین سبب هم‌نوعان با او مجادله می‌کنند (ر.ک منشی، ۱۳۸۶: ۳۰۸).

گاهی نیز دو جامعه و قومیت انسانی با طرز اندیشه و سبک زندگی متفاوت در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند که نخست، قوم مهاجم براساس مهابت و قدرت جسمانی بر طرف مقابل پیروز می‌شود؛ اما قوم ضعیف‌الجثه، با استفاده از نیروی خرد و چاره‌گری، قلمرو و هم‌نوعان خود را از تاخت‌وتاز قوم مهاجم حفظ می‌کند. نمونه این نوع کشمکش در تقابل بین فیل‌ها و خرگوش‌ها (همان: ۲۰۲) و نیز بومان و زاغان (همان: ۱۹۱) مشهود است. در کشمکش فیل‌ها با خرگوش‌ها، فیل‌ها برای نجات جان خود به سبب خشک‌سالی پیش‌آمده، از سرزمین خود به قلمروی خرگوشان که در آنجا چشمه قمر وجود دارد، مهاجرت می‌کنند و در زیر پای خود بسیاری از خرگوشان را به هلاکت می‌رسانند. خرگوش‌ها نیز برای حفظ

قلمروی خود در برابر دشمن نیرومند، براساس چاره و اندیشه‌ی شخصیتی به نام پیروز، آنان را بیرون می‌رانند (ر.ک همان: ۲۰۲).

مک‌کی برای کشمکش انواع مختلفی چون فردی (کشمکش انسان با افرادی که دارای رابطه‌ی صمیمی است؛ مانند خانواده، معشوق و دوستان) و کشمکش فرافردی (کشمکش انسان با نهادهای اجتماع و اعضای جامعه، مؤسسات و مراجع) برشمرده است (مک‌کی، ۱۳۹۲: ۱۰۳) که کشمکش‌های انسان با انسان در کلیله و دمنه، بیشتر از نوع فرافردی هستند؛ چنان‌که شخصیتی با صاحبان یکی از مشاغل و مناصب مانند صیاد، بازرگان، وزیر، سیاح، زرگر و پزشک درگیر می‌شود. این امر می‌تواند با بستر تاریخی، اجتماعی و فرهنگی خلق اثر در ارتباط باشد. در واقع، نویسنده ضمن نشان‌دادن وضعیت جامعه‌ی خود از این طریق، به دنبال ارائه‌ی راه‌حل برای حل مشکلات این قشرها بوده است.

علاوه بر کشمکش انسان با انسان، کشمکش انسان با خود نیز در کلیله و دمنه جایگاه ویژه‌ای دارد. از نظر مک‌کی، در این نوع کشمکش، بدترین دشمن فرد، خود اوست و احساسات، عواطف، ذهن و جسم، براساس تصور و انتظار فرد عمل نمی‌کند (همان: ۱۰۲). در کلیله و دمنه، کشمکش انسان با خود، از طریق تضاد و درگیری انسان با نفس لوامه (خود معنوی) یا با نفس اماره (خود دنیایی) نشان داده شده است. این موضوع نشان‌دهنده‌ی این است که در این اثر، به مسائل روانشناختی شخصیت‌ها به‌ویژه انگیزه‌ها و علل درونی شکل‌گیری نیازها و رفتار آنان توجه شده است. درحقیقت، هرج و مرج اجتماعی و از دست رفتن آرامش و انقطاع فرهنگی روزگار مترجم، پریشانی و خودمحوری را در دید و اندیشه‌ی او همچون دیگر هنرمندان هم‌عصرش پدید آورده و نمود این تعارض‌های شدید روحی و روانی را می‌توان در کشمکش‌های درونی شخصیت‌های داستان‌ها مشاهده کرد. در تمام موارد این نوع کشمکش، خود معنوی و دنیایی بر اشخاص، غالب است و آنان را پس از بی‌تاب کردن و سرگشتگی، با استفاده از نیروی تأمل و تدبیر (نفس لوامه) یا قدرت و وسوسه و فریب (نفس اماره) به سمت خواسته‌ی خود سوق داده است؛ مانند کشمکش موش با خود بر سر حفظ جان در برابر آسیب‌های احتمالی از سوی بوم، راسو و گربه و یافتن راه خلاصی (ر.ک منشی، ۱۳۸۶: ۲۶۸)، کشمکش باخه با خودش درباره‌ی وفاداری و تعهد به دوست یا نجات جان همسر بیمار (ر.ک همان: ۲۴۷) و کشمکش بوزینه با خودش در مورد اقامت در جزیره و تلف شدن از گرسنگی یا گریختن در آب و هلاک شدن (ر.ک همان: ۲۴۹). همچنین، نویسنده از طریق چنین کشمکش‌هایی قصد دارد اهمیت تعقل و تفکر را در زندگی برجسته کند تا به گونه‌ای غیرمستقیم به عنوان فردی دانا، به اصلاح جامعه‌ی فرورفته در خرافات و بی‌خردی بپردازد و عاقبت شوم و ناگوار این مسیر را به شکل ملموس و همراه حجت و برهان، ترسیم کند.

در کلیله و دمنه، کشمکش انسان با طبیعت نمود چندانی ندارد؛ زیرا در آن، طبیعت دارای رفتار و گفتاری انسان‌گونه است و عناصر آن نمادی از شخصیت‌ها و تیپ‌های مختلف انسانی‌اند. بررسی این نمونه‌های

محدود نشان می‌دهد در این نوع کشمکش، شخصیت‌ها با بهره‌گیری از قدرت جسمانی، برتری خود را در برابر حیوانات وحشی نشان داده‌اند؛ مانند کشمکش درودگر و بوزینه که در آن بوزینه - برخلاف رفتار انسان‌وارش در کشمکش با باخه - صرفاً رفتاری میمون‌صفت دارد و براساس تقلید کار درودگر به روی چوب می‌نشیند و گرفتار و نابود می‌شود (ر.ک منشی، ۱۳۸۶: ۶۲). در واقع، این کشمکش به شکل نمادین بیان‌کننده تثبیت طبقات جمعی و بی‌حرکی اجتماعی در جامعه استبدادی است که هر کس باید در طبقه خود فعالیت کند؛ در غیر این صورت، باید مترصد پیامدهای ناگوار باشد. «تحرک اجتماعی اشاره به حرکت و جابه‌جایی افراد یا خانواده‌ها از یک طبقه به طبقه دیگر دارد» (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۱۷۶).

در مواردی هم کشمکش انسان با نیروی ماورای طبیعت همچون تقدیر، مرگ و قضاو قدر اتفاق افتاده - است که شخصیت به ناتوانی خود در این کشمکش اشاره می‌کند؛ چنان‌که مطوقه به موش در این باره می‌گوید: «با مفادیر سماوی مقاومت نمی‌توانند پیوست...» (ر.ک همان: ۱۶۰) یا آهو دلیل گرفتاری خود را با چندان کیاست، نه حيله صیاد، بلکه غلبه تقدیر آسمانی بیان می‌کند (ر.ک همان: ۱۸۴). در واقع، همواره چنین نیروهایی توانسته‌اند با نشان‌دادن قهاریت خود، آن‌هم به شکل خوشونت‌آمیز، بر انسان طماع و غافل طبقه فرودست جامعه غلبه یابند تا ناکارآمدی و بیهودگی تلاش و خرد انسانی را گوشزد کنند؛ در ضمن، این موضوع بیانگر نمود برجسته اندیشه جبرگرایی در میان اقوام شرقی به‌ویژه هند و ایرانی است. «اعتقاد به مشرب فلسفی جبر در مذهب هندو از یک سو و رواج اندیشه‌های جبرگرایانه اشاعره در جامعه ایران قرن ششم از سوی دیگر، سبب شده تا مضمون جبر به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی و کاربردی کتاب کلیله و دمنه شناخته شود» (سجادی و پزشکی، ۱۳۹۳: ۴۶). دلیل سیطره اندیشه جبرگرایی در جامعه ایران، ظهور فساد نظام سیاسی است که بهترین ابزار فکری حاکم مطلق، برای جلوگیری از فعال‌شدن نظام اجتماعی و حیات جمعی محسوب می‌شد (ر.ک رضاقلی، ۱۳۸۹: ۱۱۰) تا ضمن توجیه مشروعیت عمل خود، هر اعمال ستمی را رویدادی الهی جلوه دهد. نصرالله منشی نیز به تبعیت از فکر روزگار و پابندی به کلام اشعری و هم به دلیل اوضاع نابسامانی که وی را به خانه‌نشینی و تحمل مشقت‌های ناشی از دولت‌مردی کشاند، سر رشته همه امور را در دست تقدیر دانسته و اندیشه‌های جبرگرایانه خود را در قالب کشمکش‌های کلیله و دمنه بازتاب داده‌است.

جدول ۱- بسامد کشمکش بین انسان با نیروهای مختلف

انواع کشمکش	بسامد
انسان با انسان	۶۰
انسان با خود	۱۳
انسان با طبیعت	۲
انسان با نیروهای فراطبیعی	۵

براساس اینکه کشمکش چه بُعدی از شخصیت را درگیر کرده باشد، ممکن است کشمکش پیش‌آمده، تنها درگیری جسمی بین دو شخصیت باشد یا ممکن است این کشمکش به صورت ذهنی بین نگرش شخصیت داستان و نگرش و دیدگاه سایر شخصیت‌ها پیش آمده باشد. گاهی این تعارض بین دو حس متفاوت به وجود می‌آید و گاهی شخصیت در برابر قوانین و باید و نبایدهای از پیش تعیین شده، قرار می‌گیرد که بر این اساس، کشمکش‌ها را به جسمانی، ذهنی، عاطفی و اخلاقی تقسیم کرده‌اند (ر.ک میرصادقی، ۱۳۸۵: ۷۳-۷۴). در حکایت‌های کلیده‌ودمنه، کشمکش‌های کلامی و جسمانی، نمود بیشتری در مقایسه با کشمکش‌های ذهنی، اخلاقی و عاطفی داشته‌اند. این موضوع نشان‌دهنده این است که در این اثر، بیشتر شخصیت‌ها با هم دچار مشکل شده‌اند و از قدرت نفوذ سخن و قدرت جسمانی برای برطرف کردن موانع و رسیدن به اهداف خود استفاده کرده‌اند. همچنین، از آنجا که همه افراد جامعه با این دو نوع کشمکش بیشتر درگیرند و برای آنان ملموس‌تر است، در حکایت‌هایی که هدف در آن‌ها، نشان دادن نمونه انسان‌های خوب و بد و پیروزی نیروی مثبت بر نیروی منفی است، این امر از طریق کشمکش‌های کلامی و جسمانی که عینی‌تر هستند، بهتر انتقال داده می‌شود. نمونه‌های مجادله پیروزمندانۀ فرد مُحق را می‌توان در داستان‌های شغال زاهد و یارانش (ر.ک منشی، ۱۳۸۶: ۳۰۸)، بلار وزیر و پادشاه هند (همان: ۳۷۹)، بازرگان و امین (همان: ۱۲۲) و... و نمونه‌های کشمکش جسمانی را در داستان‌های فزّه با پادشاه (همان: ۲۸۵)، کبوتر نر و ماده (همان: ۳۷۸) و... مشاهده کرد.

کشمکش‌های ذهنی که براساس دو اندیشه متفاوت در ذهن شخصیت روی داده‌اند، نمود قابل توجهی ندارند. در باب اول، برزویه طبیب، از یک‌سو، بر سر روی آوردن به ثروت دنیوی یا ثواب اخروی در جدال با خود است و از سوی دیگر، با کشمکش میان عدم قطعیت علم طب در برابر قطعیت و شفافبخشی امور شرعی و اعمال خیر روبه‌رو می‌شود و در ادامه نیز، به واسطه تعدد نحله‌ها و فرقه‌های دینی عصر خود، دچار کشمکش و تردید در زمینه راه صحیح شناخت حقیقی خداوند متعال می‌شود و سرانجام، در کشاکش میان منافع اخروی و دنیوی، تصمیم می‌گیرد به عبادت روی آورد تا ضمن کسب سعادت و ثواب اخروی، درهای برکت و روزی به روی او گشوده شود (ر.ک منشی، ۱۳۸۶: ۴۵-۵۵).

اغلب کشمکش‌های عاطفی کلیده‌ودمنه در بزنگاه‌های دوستانه روی می‌دهد؛ به‌ویژه زمانی که شخصی به ناحق و با تصمیمی عجولانه، دوست وفادار خود را به ورطه هلاک و نابودی می‌کشاند؛ مثلاً در باب شیر و گاو، پس از اثرگذاری دمدمه دمنه بر شیر مبنی بر کشتن گاو، شیر پس از تسکین خشم خود، نمی‌داند که کشتن فرد باکفایت و شایسته‌ای همچون گاو کار درستی بوده یا نه (ر.ک همان: ۱۲۳). در باب زاهد و راسو، زاهد از اینکه هم‌خانه محبوب خود، یعنی راسو را براساس تصمیمی عجولانه به هلاک رسانده، بسیار ناراحت می‌شود و با خود می‌ستیزد که چرا چنین کاری را انجام داده‌است (ر.ک همان: ۲۶۴). زمانی که باخه تصمیم می‌گیرد دوست صمیمی‌اش، بوزینه را بکشد تا دل او را به‌عنوان دارو برای درمان بیماری

همسر خود ببرد، در میان آب دچار تردید و ستیز با خود می‌شود؛ از یک سو، از نامبارکی خیانت در حق دوستش غمگین است و از سوی دیگر، دوستداری همسر و نجات جان او بر جانش شعله می‌افکند (ر.ک همان: ۲۴۷).

کشمش اخلاقی نمود اندکی در داستان‌های کلیله و دمنه دارد. نمونه آن را می‌توان در باب اول، در بحبوحه ستیز برزویه طیب با اصول اخلاقی حاکم بر جامعه مشاهده کرد. او از اینکه در روزگار تیره خود، خیراتی نظیر عقلانیت، صداقت، عدالت، سخاوت و محبت، رو به تراجع و افول نهاده و در مقابل، طریق ضلالت، جهالت، خساست و عداوت گشوده شده است، بسیار ناخرسند است (ر.ک همان: ۵۵).

جدول ۲- انواع کشمکش براساس بُعد درگیر شخصیت در کشمکش

ابعاد کشمکش	بسامد
کلامی	۳۳
جسمانی	۲۷
ذهنی	۷
عاطفی	۵
اخلاقی	۱

۲-۲. عوامل (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) ایجادکننده کشمکش در حکایت‌های کلیله و دمنه

در میان علل و عوامل مختلفی که سبب ایجاد کشمکش در داستان‌های کلیله و دمنه شده‌اند، چهار عامل اهمیت بیشتری دارند که عبارت‌اند از: سکونتگاه، شیوه تعامل بین زن و شوهر، ثروت و نیرنگ و دسیسه-جویی.

عامل سکونتگاه و خانه صرفاً در میان طبقه فرودست جامعه سبب ایجاد کشمکش‌های جسمانی و خشونت‌آمیز شده است که در نظم اولیه داستان، شخصیت‌های منفی براساس قدرت جسمانی به دنبال تصاحب و تملک سکونتگاه دیگری هستند؛ اما شخصیت‌های مثبت با بهره‌گیری از نیروی چاره‌گری خود با آنان مقابله می‌کنند تا به هدفشان که حفظ و بقای نسل خانواده است، برسند؛ مثلاً هم‌جواری سکونتگاه زاغ و مار (همان: ۸۱)، مار و غوک (همان: ۱۱۸)، فیل‌ها و خرگوش‌ها (همان: ۲۰۲) و خرگوش و کبک (همان: ۲۰۶) زمینه را برای شروع کشمکش بین آنان فراهم کرده است.

دستیابی به ثروت، عمدتاً زمینه را برای ایجاد کشمکش بین طبقه پایین دست جامعه داستانی فراهم کرده است. درحقیقت، دو طرف کشمکش سعی دارند با استفاده از فکر و اندیشه، به منفعت موجود (لباس گران‌قیمت، کیسه پول، آهن و...) دست یابند و برخلاف عامل سکونتگاه، کمتر قدرت جسمانی در کسب آن دخالت دارد؛ مثلاً کشمکش انسان زیرک و مغفل (همان: ۱۱۸)، بازرگان و شخص امین (همان: ۱۲۲)

و زاهد و دزد (همان: ۷۴). درباره کشمکش بر سر امور مادی، باید گفت تجمع ثروت در دست طبقه حاکم به مرور زمان، سبب شکاف طبقاتی و ایجاد انواع ناامنی مالی و هرج‌ومرج اقتصادی شده بود. در قرن ششم این شکاف کاملاً آشکار و برجسته بود؛ زیرا مالیاتی که حکومت به عامه مردم تحمیل می‌کرد، در کنار رشد جمعیت، لشکرکشی‌های پرهزینه پی‌درپی و مصادره اموال به بهانه‌های مختلف، سبب رواج فقر در جامعه شد. از پیامدهای فقر در جامعه استبدادی قرن ششم، غارت و دزدی است. «در ایران به دلیل ناامنی، سرمایه‌های مردم عمدتاً در خاک به صورت دفینه پنهان بوده‌است. در چنین حالتی، تولید در شبکه ملی به حداقل می‌رسد و تنها راه چاره برای تأمین نیازها همان غارت است» (رضاقلی، ۱۳۸۹: ۹۲).

علاوه بر عوامل اقتصادی مذکور، رذایل اخلاقی چون نیرنگ و دسیسه برای کسب جاه و مقام دنیایی، نقش مهمی در ایجاد کشمکش در این اثر داشته‌است؛ «نیرنگ نمایش تضاد بین دو یا چند شخصیت است که یک سمت، نیرنگ‌باز و طرف دیگر، نیرنگ‌خورده و طرف‌های دیگر، آنانی قرار دارند که در مواجهه با این نیرنگ‌ها خواسته و ناخواسته تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند و سرشتشان متأثر می‌شود» (مره‌ای و جدیدالاسلامی، ۱۳۹۸: ۳۴۸). این قبیل کشمکش‌ها در کلیله و دمنه، عمدتاً به شکل بیرونی به‌ویژه به شکل سرزنش و توبیخ در بین دو طبقه فرادست و فرودست جامعه مشاهده می‌شوند. در واقع، شخصیت‌های مثبت همچون مادر شیر، مقدم قضا و افراد حاضر در دادگاه، با سخنان سرزنش‌آمیز و با لحنی توبیخی به مقابله با اشخاص حيله‌گر و مکاری همچون دمنه می‌پردازند تا خدعه، مظلوم‌نمایی و گناهکاری او را برملا کنند. در این باره باید گفت هرچند در کلیله و دمنه مکر و خدعه، از رذایل اخلاقی محسوب می‌شود؛ اما «در طرح داستان‌های کلیله و دمنه، توطئه و فریب آن‌قدر نقش کلیدی دارد که بدون آن، غالب داستان‌ها اصولاً ماهیت خود را از دست می‌دهند» (دهقانیان و نیکویخت، ۱۳۹۰: ۱۵۰). با نگاهی به کشمکش‌هایی نظیر کشمکش گاو و شیر (ر.ک منشی، ۱۳۸۶: ۶۱) - اگر نظر محجوب را که جامع‌ترین تحقیق درباره کلیله و دمنه است بپذیریم و باب دوم (بازجست کار دمنه) را الحاقی بدانیم (ر.ک محجوب، ۱۳۴۹: ۱۴) - می‌توان گفت این‌گونه کشمکش‌ها، با پیروزی مکاران به پایان می‌رسد و این نگاه مصلحت‌جویانه در کشمکش زاغ و گرگ با شتر (ر.ک منشی، ۱۳۸۶: ۱۰۷) نیز دیده می‌شود. حتی خود مترجم نیز در کشمکشی با درباریان (همچون کشمکش شنبه با دمنه) در دام نیرنگ و توطئه آنان می‌افتد و توسط خسرو ملک‌بن - بهرامشاه از وزارت عزل و محبوس و درنهایت به کام مرگ کشیده می‌شود. «یکی از عوامل مهمی که باعث شد تا نیرنگ و توطئه‌گری به‌طور خاص در ایران گسترش بسیار یابد، عامل تسخیرشدگی مکرر ایران به ویژه پس از اسلام تا فروپاشی قاجاریه و حتی پس از آن است. با تسخیر ایران توسط اعراب و مشخصاً پس از تسخیر ایران توسط نیروهای ایلی ترک، ترکمن، مغول، تاتار و ... در هیئت حاکمه ایران تضادهایی به وجود آمد که زمینه‌ساز گسترش بسیار زیاد توطئه‌گری و نیرنگ در حوزه حکومتی شد» (قاضی‌مرادی، ۱۳۸۰: ۲۱۱). همچنین، به‌کارگرفتن سیاست تفرقه‌انداختن و حکومت‌کردن از سوی شاهان و سلاطین

ایرانی، نمود بارزش را در مسئله به جان یکدیگر انداختن صاحب‌منصبان نظام دیوانی می‌توان یافت. افزون بر این، ترس، بی‌ثباتی، ناامنی و دیگر ویژگی‌های اساسی حکومت استبدادی، هر یک زمینه‌ساز توطئه‌گری بوده‌است. انسانی که می‌ترسد یا دائماً در اضطراب ناشی از زندگی در موقعیت بی‌ثبات و ناایمن قرار دارد و برای حفاظت از خویش فقط باید به نیروی شخصی خود اتکا کند، به‌ناگزیر چنین حفاظتی را از طریق توطئه تأمین می‌کند (همان: ۲۱۲).

در نهایت، نحوه تعامل و رفتار اعضای خانواده با همدیگر از دیگر عوامل برجسته ایجاد کشمکش بوده‌است. اغلب کشمکش‌ها در چنین مواردی، میان زن و شوهر است که مرد تلاش می‌کند با استفاده از قدرت ناشی از نظام مردسالار و نیز پایگاه مالی برتر، سخن خود را بر زن تحمیل کند و اقتدار خویش را در خانواده نشان دهد؛ اما زن با بهره‌گیری از نیروی چاره‌گری، او را متوجه کج‌فهمی خود می‌کند تا از این طریق، بی‌گناهی خویش را به اثبات رساند؛ مثلاً زن مرزبان با تدبیری که می‌اندیشد، اتهام رابطه نامشروع را از خود می‌زداید (ر.ک منشی، ۱۳۸۶: ۱۵۴). یا زن زاهد به شوهرش درباره خیال‌پردازی‌های خام در زمینه داشتن فرزند پسر و شیوه پروردن او هشدار می‌دهد (ر.ک همان: ۲۶۲). البته در کشمکش‌هایی نیز زن قصد دارد با استفاده از مکر، آلوده‌دانی خود را از شوهرش مخفی کند تا از خشم و غضب او در امان باشد؛ نظیر زن درودگر که با مرد همسایه، رابطه مخفیانه داشت (ر.ک همان: ۲۱۸) یا زن کفشگر که با مرد دیگری رابطه نامشروعی برقرار کرد (ر.ک همان: ۷۶). می‌توان علت فریبکاری زنان را در چنین کشمکش‌هایی این‌گونه توضیح داد: «در آثاری این‌چنینی، زن محدود، مجبور و وابسته به مرد است و بی‌او، از عرصه کار و نام و عزت به دور می‌افتد و برای رهیدن از بن‌بست، باید به چیزی چنگ بزند که مکر و چاره‌گری زنانه نام دارد و در داستان، برخلاف زندگانی واقعی و روزانه، راه بر او گشوده می‌گردد» (مزدایور، ۱۳۸۰: ۵۶). در جدول زیر، بسامد مهم‌ترین علل ایجادکننده کشمکش ذکر شده‌است؛ البته عوامل دیگری همچون مشکلات زیست‌محیطی (خشک‌سالی، کمبود آب و سرمای هوا)، اسارت و کشتار، ظلم و ستم، ناتوانی و بیماری جسمی، آشکارشدن حقیقت و... در ایجاد کشمکش دخیل بوده‌اند که بسامد آنها در مقایسه با موارد زیر کمتر است.

جدول ۳- مهم‌ترین عوامل ایجادکننده کشمکش

عوامل کشمکش	بسامد
سکونتگاه و خانه	۸
شیوه تعامل و رفتار زن و شوهر	۸
مال و ثروت	۷
نیرنگ و فریبکاری	۷

در کلیله و دمنه بیشتر بر سر سه ارزش و هنجار کشمکش ایجاد شده است: اولین مورد، تقابل خیانت و بی‌اعتمادی در برابر اعتماد و صداقت است. در این باره باید گفت در تعدادی از کشمکش‌ها، نگرش به خیانت منفی نیست؛ زیرا انسان خردمند باید برای دستیابی به اهداف خود از آن بهره‌گیرد. در واقع، ساختار کشمکش‌ها به نوعی خیانت را مباح می‌شمارد و در برخی از آنها، پیروزی با شخصیتی است که از اصول ضد اخلاقی پیروی می‌کند. «خیانت چه در روابط فردی، چه زناشویی و چه روابط سیاسی به صورت گسترده‌ای در داستان‌های کلیله و دمنه وجود دارد... از این رو، در بسیاری از داستان‌هایی که موضوع آنها دوستی است، داستان پایانی غم‌انگیز و فاجعه‌آمیز دارد» (دهقانیان و نیکویخت، ۱۳۹۰: ۱۴۵). تقابل خیانت در برابر اعتماد، اغلب در میان مردم پایین دست جامعه روی می‌دهد و معمولاً در وضع ثانویه، شخصیت‌های وفادار و معتمد از کشمکش‌ها بهره‌لازم را می‌برند و بر شخصیت خیانتکار غلبه می‌یابند؛ مثلاً خیانت و بدعهدی شخص امین در مقابل اعتماد بازرگان که صد من آهن خود را نزد او به امانت گذاشت (ر.ک منشی، ۱۳۸۶: ۱۲۲) یا عهدشکنی شریک زیرک در برابر اعتماد شریک مغفل که سرانجام شخص زیرک با مرگ پدر و از دست دادن زر، سزای خیانتش را می‌بیند (ر.ک همان: ۱۱۸). این ارزش در کشمکش‌های دیگر، مثل ماهی‌خوار با پنج‌پایک (همان: ۸۴)، زاغ و گرگ با شتر (همان: ۱۰۷)، زاهد با راسو (همان: ۲۶۴) و زن با شوهر درودگرش (همان: ۲۱۸) دیده می‌شود.

ارزش چشمگیر دیگر در کشمکش‌ها، تقابل عشق به همسر و خانواده در برابر تأمین غذا و حفاظت از پادشاهی و جان است. این ارزش هم در میان کشمکش‌های پادشاهان و وابستگان‌شان و هم در میان عامه مردم به شکل درگیری مستقیم و غیرمستقیم مشهود است؛ مثلاً در کشمکش ایران‌دخت با شوهرش (پادشاه هند)، ایران‌دخت به سبب عشق به شوهر و غیرت زنانه‌اش از اینکه شوهرش به زیبایی زن دیگر توجه می‌کند، خشمگین می‌شود و ظرف غذا را بر سر او سرنگون می‌کند. پادشاه نیز برای حفظ و ابراز شکوه خود، دستور می‌دهد او را به قتل رسانند. پادشاه پس از تسکین خشم، از کرده خود پشیمان می‌شود و دو ارزش عشق به همسر و رعایت ابهت و شأن پادشاهی او را در ورطه ستیز با خود می‌افکند (ر.ک همان: ۳۷۹ - ۳۷۴). همچنین در کشمکش بین باخه با بوزینه، زن باخه به سبب عشق به همسر و بازگرداندن او به خانه، چاره‌ای می‌اندیشد تا دلیل این غیبت طولانی مدت، یعنی دوستی با بوزینه را محو کند و در مقابل، بوزینه برای حفظ جانش از همراهی و ادامه دوستی با باخه پرهیز می‌کند (ر.ک همان: ۲۴۳). برخلاف طبقه اشراف، در میان طبقات دیگر، موضوع چندهمسری در کشمکش‌ها مطرح نیست که این امر ممکن است به وضعیت نامطلوب مالی آنان برگردد. «این رسم و راه، ظاهراً از روی زندگانی طبقات متوسط مردم شهرها که با یک زن می‌ساخته و توانایی کشیدن جور زنان متعدد را نداشته‌اند، الگوبرداری شده است» (محبوب، ۱۳۴۹: ۲۳۰). تقابل این ارزش در کشمکش‌های دیگر نظیر کشمکش زاغ با مار (منشی، ۱۳۸۶: ۸۱)، پادشاه با سیاح (همان: ۴۰۴) و مار با گوک (همان: ۱۱۸) مشهود است.

سرانجام، تقابل حفظ جان در برابر تأمین غذا و حفظ پادشاهی و دوستی، ارزش چشمگیر دیگری است که در کشمکش‌های سطوح پایین جامعه اتفاق افتاده است. در این ارزش، شخصیت‌های مثبت نظیر فتنه، موش، آهو، کبوتران و خرگوش‌ها، سعی دارند با به‌کارگیری خرد، جان خویش را در برابر حملات دشمنان به سکونتگاهشان حفظ کنند؛ مثلاً کبوتران تلاش می‌کنند از اسارت صیاد رهایی یابند (ر.ک همان: ۱۵۸). این ارزش در کشمکش‌های دیگری همچون کشمکش موش با گربه (همان: ۲۷۶) و آهو با صیاد (همان: ۱۸۴) مشهود است. برجستگی ارزش حفظ جان و بی‌اعتمادی نسبت به همدیگر در کشمکش‌های کلیله و دمنه، بیان‌کننده رواج ناامنی و ترس و اضطراب در جامعه است. «مهم‌ترین عامل روبنایی نداشتن امنیت در طول تاریخ ایران، حکومت استبدادی بوده است. چنین حکومتی، ذاتاً فاقد امنیت و ثبات و یکسره بر ترس استوار است. در حکومت استبدادی، وجود ترس شرط اساسی است» (قاضی‌مرادی، ۱۳۸۵: ۲۹۵)؛ به‌خصوص آنکه زمام چنین حکومتی را غلامان ترکی به دست بگیرند که روزگاری مملوک دیگران بودند و بعد از رسیدن به امارت، عقدهٔ حقارت خود را با انتقام و کینه‌کشی از دوران‌های گذشته تسکین می‌دادند که نتیجه‌ای جز شیوع احساس ناامنی در جامعه نداشت (ر.ک زیدان، ۱۳۹۴: ۲۱۱). در جدول زیر، بسامد مهم‌ترین هنجارها و ارزش‌های مورد کشمکش در کلیله و دمنه ذکر شده است؛ ضمن اینکه ارزش‌های دیگری همچون قناعت در برابر طمع‌ورزی، لیاقت در برابر حسادت، مهارت در برابر تقلید، خردورزی در برابر ظاهربینی و... با بسامد کمتری در کشمکش‌های کلیله و دمنه دیده می‌شوند.

جدول ۴- مهم‌ترین هنجارها و ارزش‌های مورد کشمکش

بسامد	ارزش‌های کشمکش
۱۷	خیانت و بی‌اعتمادی در برابر صداقت و اعتماد
۱۳	عشق به همسر و خانواده در برابر تأمین غذا، حفظ پادشاهی و جان
۱۲	حفظ جان در برابر تأمین غذا، حفظ دوستی و پادشاهی

۲-۴. طبقه اجتماعی طرفین کشمکش

بررسی طبقه اجتماعی افراد درگیر در کشمکش، نقش مهمی در نشان‌دادن وضعیت اجتماعی جامعه داستانی در کلیله و دمنه دارد. «طبقه اجتماعی به بخشی از جامعه اطلاق می‌شود که به لحاظ داشتن ارزش‌های مشترک، منزلت اجتماعی معین، فعالیت‌های دسته‌جمعی، میزان ثروت، دیگر دارایی‌هایی شخصی و نیز آداب معاشرت، با دیگر بخش‌های جامعه متفاوت است» (کوئن، ۱۳۹۰: ۲۹۶). مهرداد بهار طبقات اجتماعی هند و ایرانی و هند و اروپایی را در دوران باستان به سه دسته ارتشتاران، موبدان، استریوشان یا کشتکاران و پیشه‌وران تقسیم کرده است (ر.ک بهار، ۱۳۷۳: ۳۳). همچنین، جامعه ایران در قرن ششم به سه طبقه امرا و اشراف، ارباب حرف و تجارت و ملاکین، عامه مردم و روستاییان تقسیم می‌شد (قدیانی، ۱۳۸۴: ۴۸). براساس این طبقه‌بندی‌ها، بیشترین کشمکش داستان‌های کلیله و دمنه در میان طبقه پیشه‌وران و پایین‌دست

جامعه دیده می‌شود. پس از آن، کشمکش میان دو طبقه‌ ارتشتاران (پادشاه و وابستگانش) با طبقه‌ استریوشان (پیشه‌وران) و در مرتبه‌ آخر، کشمکش در میان درباریان و اشراف مشاهده می‌شود. «کلیله‌ودمنه در تمام لایه‌های خود به نظام طبقاتی احترام می‌گذارد؛ نظامی که حتی تا پیش از مشروطه در نظام سیاسی ایران مشروعیت داشته‌است» (دهقانیان، ۱۳۹۰: ۹۴).

در کشمکش طبقه‌ فرودست جامعه، برجسته‌ترین شغل و پیشه، متعلق به صیادی و زهدپیشگی است؛ مثلاً کشمکش صیاد با کبوتران (منشی، ۱۳۸۶: ۱۵۸)، صیاد با سه ماهی (همان: ۹۱)، صیاد با آهو (همان: ۱۸۴) صیاد با باخه (همان: ۱۸۵)، زاهد و دزد (همان: ۷۴)، زاهد و مهمانش (همان: ۳۴۲) و شغال زاهد با شیر (همان: ۳۱۲).

از علل برجسته‌بودن موضوع زهدپیشگی در کشمکش‌های کلیله‌ودمنه احتمالاً می‌تواند وضع اقتصادی و جغرافیایی خاص مشرق زمین باشد؛ سرزمین‌هایی که مردمان آن همواره نگران ناملایمات جوی و دیگر ناسازگاری‌های محیطی بوده‌اند و در نتیجه، فقر و نگرانی قوت لایموت همراه آنان بوده‌است. همچنین، گرایش به زهد، یکی از نتایج فشارهای سیاسی و تعصبات دینی و قتل و غارت مردم توسط حاکمان ترک‌تاز عصر مترجم است که در واقع، نقابی بود بر چهره‌ پر از زرق و تزویر افراد جامعه که در قرون بعد به تکامل رسید. به همین سبب، زهد غالب در داستان‌های کلیله‌ودمنه، زهد ریایی و بی‌بهره از حقیقت الهی است؛ همچون داستان گربه زاهد (همان: ۲۰۶)؛ از این رو، مخاطب بیشتر با کشمکش بین منافع اخروی و دنیوی درگیر می‌شود. همچنین، در کشمکش‌های کلیله‌ودمنه برخلاف ناپسندشمردن ریا و نفاق، عملاً آن لازمه‌ زندگی دانسته شده‌است؛ همچون در کشمکش موش و گربه، موش که نماد خرد است، ریا و بوقلمون‌صفتی را نشانه‌ عقل می‌شمارد (رک همان: ۲۷۹). شاید این صفت غیراخلاقی به این سبب محترم شمرده شده‌است که زیستن در جوامعی نظیر جامعه‌ قرن ششم با وجود دین‌داری ظاهری حاکمان ترک، باید همراه سازش- کاری برای دستیابی به سلامت و امنیت باشد.

همچنین، هنگامی که کشمکش میان طبقات فرودست و فرادست جامعه روی می‌دهد، غالباً پادشاهان و وابستگان‌شان بر اساس قدرت و پایگاه سیاسی - اجتماعی و در قالب درگیری بیرونی (عمدتاً کشتن)، بر مردم فرودست جامعه تسلط می‌یابند تا درد و غم کشته‌شدن یکی از عزیزان خود را تسکین دهند و انتقام او را بگیرند. در فرهنگ سیاسی - اجتماعی کلیله‌ودمنه، طبقه‌ حاکم به گروه زیردست خود القا می‌کند که مشروعیت پادشاه ناشی از تعلق او به طبقه‌ نخبه است و چون شکل و ساختار حکومت، مورد پذیرش همگان است، هیچ‌گونه اعتراضی به شیوه‌ توزیع قدرت نمی‌شود؛ به همین دلیل، «ساختار پذیرفته‌شده‌ اجتماعی می‌تواند منشأ قدرت باشد» (محمدزاده و مهرورژان، ۱۳۷۵: ۳۹۴)؛ مثلاً در باب شیر و گاو، شیر به‌دنبال آن است تا خون به ناحق ریخته‌شده‌ گاو را جبران کند و بر این اساس، با استفاده از قدرت سیاسی - اجتماعی خود، توانست دمنه را در زندان افکند و بکشد (رک منشی، ۱۳۸۶: ۱۳۲). در باب بازجست

کار دمنه، پادشاه برای قصاص خون دخترش، دستور می‌دهد پزشک مدعی از داروی دست‌ساخته مهلک خود بخورد تا نابود شود (ر.ک همان: ۱۴۷) و نظیر این ماجرا در کشمکش پادشاه هند با فنزه دیده می‌شود (ر.ک همان: ۲۸۵). این امر به شکل غیرمستقیم، خونخواری و کینه‌جویی زمامداران را نیز نشان می‌دهد که نصرالله منشی از این طریق قصد داشته این خلُق و خوی آنان را تا حدی مهار کند؛ همچنان که پرهیز از تعجیل در تصمیم‌گیری به‌ویژه در امور حکومت‌داری از نتایج برجسته کشمکش‌هایی همچون شیر و گاو (همان: ۶۱)، پادشاه و سیاح (همان: ۴۰۴)، شیر و شغال زاهد (همان: ۳۱۲) است. درحقیقت، این وضعیت، گریزی دارد به تندخویی و جنگ‌جویی ترکان غزنوی و سلجوقی که با کوچک‌ترین عداوت و کینه، دست به شمشیر می‌بردند و جنگ و خونریزی راه می‌انداختند. چنین پادشاهانی به دلیل قوه تشخیص نابه‌جا گاه مشورت‌های درست و نادرست را از هم تمیز نمی‌دادند و بزرگان بسیاری را یا عزل می‌کردند یا به قتل می‌رساندند. به همین سبب، نصرالله منشی، پادشاه را برای حفظ شکوه و کرامت خود و نیز کسب خشنودی لشکریان و رعیت به حلم و پرهیز از خشم و قضاوت عجولانه و زودباوری دعوت می‌کرد.

از طرف دیگر، هنگامی که کشمکش در طبقه فرادست جامعه، یعنی پادشاهان و وابستگانشان روی می‌دهد، اغلب در قالب گفت‌وگو و به شیوه موعظه‌گری و چاره‌جویی اتفاق می‌افتد؛ مثلاً نصایح مادر شیر به فرزندش درباره حيله و دسيسه دمنه (ر.ک همان: ۱۳۰) یا نصایح ایراندخت به همسرش (پادشاه هند) درباره تعبیر خواب مغرضانه برهمنان (ر.ک همان: ۳۶۳). هدف از نمایش چنین کشمکش‌هایی، در مرتبه نخست، ارائه راهکارهای صحیح حکومت‌داری و شیوه تعامل با مردم توسط مشاوران و وزیران باکفایت درباری است؛ نظیر نحوه رفتار امثال خواجه نظام‌الملک با پادشاهان سلجوقی که از راه و رسم حکمرانی بی‌اطلاع بودند.

جدول ۵- انواع کشمکش براساس طبقه اجتماعی شخصیت‌ها

بسامد	طبقه اجتماعی کشمکش
۴۵	فرو دست با فرو دست
۱۶	فرو دست با فرادست
۱۲	فرو دست با فرادست

۲-۵. جنس طرفین کشمکش

در حکایت‌های کلیله و دمنه، اکثر کشمکش‌ها، بین جنس مذکر است و زنان با هم کشمکشی نداشته‌اند که این امر به ساختار مردسالار جامعه بازمی‌گردد. «در جامعه فئودالی قرن ششم، زن جایگاه والایی ندارد، از حقوق اجتماعی، اختیار و آزادی محروم است و پیوسته باید در پرده مستور باشد» (حسنی، ۱۳۹۱: ۴۶۵). اگر تقابل‌های مذکر با مذکر که یک طرف، انسان و طرف دیگر، حیوانات انسان‌گونه هستند، در نظر گرفته

شود، در اغلب موارد حیوانات نر با بهره‌گیری از نیروی تفکر و چاره‌اندیشی بر انسان مذکر پیروز می‌شوند؛ همچون غلبه کبوتران، باخه و آهو بر صیاد (منشی، ۱۳۸۶: ۱۵۸-۱۸۵). شاید علت این امر براساس باورهای اساطیری و کهن، این باشد که در کتاب کلیله و دمنه گویی انسان به دلیل بی‌خردی، به مرگ نمادین دچار شده‌است و به صورت جانوران پدیدار می‌گردد. سپس با گذر از مراحل دشوار و رنج‌آور، حکمت و دانش را از حیوانات که دارنده نیروی اسرارآمیز یا مانا هستند، فرامی‌گیرد و در فصل آخر دوباره به هیئت انسانی خود بازمی‌گردد و جاودانه می‌شود؛ در واقع، علت زایش دوباره و میرایی، نادانی و تنها راه جاودانگی، خرد است (ر.ک صدیقی، ۱۴۰۰: ۲۲۶). در این باره، در مواردی نیز انسان مذکر صرفاً با استفاده از قدرت جسمانی و بدون بهره‌گیری از خرد و اندیشه خود بر حیوان نر، سلطه افسوس‌برانگیز و دردآوری پیدا می‌کند؛ مثلاً زاهد و شاهزاده، به ترتیب راسو و جوجه فنزه را نابود می‌کنند (ر.ک منشی، ۱۳۸۶: ۲۶۴ و ۲۸۴).

در کشمکش جنس مذکر و مؤنث، اغلب جنس مؤنث به طرف مقابل خود به سبب رفتار عجولانه و یا تصمیم نسنجیده، سرزنش و نصیحت روا می‌دارد؛ مثلاً کشمکش ایراندخت با همسرش (منشی، ۱۳۸۶: ۳۷۴) یا کشمکش کبوتر نر با همسرش (همان: ۳۷۸). در موارد اندکی این کشمکش به درگیری جسمانی و خشونت‌آمیز منجر شده‌است که در همین موارد نیز، پس از گره‌گشایی داستان و آشکارشدن حقیقت، جنس مذکر به سوء برداشت خود پی می‌برد و پشیمان می‌شود. همچنین با وجود تعداد اندک جنس مؤنث در طرفین کشمکش‌ها، در مواردی هم که جنس مؤنث (همسران و زنان) حضور دارد، اغلب آنان غالب هستند که این غلبه، نه به واسطه زور و قدرت جسمانی، بلکه براساس خردمندی، چاره‌اندیشی و مکر آنان است. در حقیقت، در تعدادی از کشمکش‌های کلیله و دمنه، نگاهی مثبت به زن شده و در قالب انسانی خردمند، عاقبت‌اندیش، حازم و هوشیار ترسیم شده‌است که در بزنگاه‌های دشوار به یاری همسر خود می‌آید و او را راهنمایی می‌کند؛ نمونه برجسته چنین زنانی، ایراندخت، مادر شیر، زن زاهد و طیطوی ماده است. اغلب این زنان، زنانی پایه‌سن‌گذاشته یا از طبقه فرادست و اشراف جامعه هستند. از سوی دیگر، در کشمکش‌ها، زنان جوانی دیده می‌شوند که به واسطه شغل و طبقه دون پایه‌شان نظیر زن کفشگر، زن حجام و زن درودگر و به دلایل مختلفی همچون هوس‌آلودگی، غیبت مرد به واسطه شغل، ساده‌لوحی و کم‌عقلی مرد، به خیانت و فساد روی آورده‌اند. در این باره گفتنی است: «نظر به فرهنگ مردسالارانه در روزگار کهن و متناسب با حضور اندک یا عدم حضور فعال زن در عرصه اجتماعی، به ندرت می‌توانیم تصویری واقعی از او را ملاحظه نماییم» (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۲)؛ با این حال، براساس مقاله‌ای که در آن، داستان‌ها و جملات مربوط به زن در دو متن عربی ابن مقفع و متن فارسی نصرالله منشی مقایسه شده‌است، این‌گونه نتیجه‌گیری می‌شود که نصرالله منشی، خود این‌گونه جملات نکوهش‌آمیز و تصاویر منفی از زنان را به متن داستان‌ها افزوده است (ر.ک حیدری، ۱۳۸۵: ۵۱-۶۴). بنابراین، می‌توان گفت فساد حاکمان ترک‌تبار عصر مترجم، چه در دربار و چه در جامعه امری شایع بوده و چنین داستان‌هایی، نمودار بی‌بندوباری اخلاقی رایج در

جامعه است که از دوره غزنویان به بعد فزونی می‌گیرد. همچنین، این تفاوت نگاه به زنان طبقه اشراف و فرودست، نشئت گرفته از تأثیرگذاری گفتمان فرادستان به واسطه بهره‌مندی از سه عامل قدرت، ثروت و نفوذ اجتماعی از جهات گوناگون بر ادبیات بوده که آنچه را وفق مرادشان بوده‌است، بیان کرده و نمایش داده‌اند. از سوی دیگر، هرچند در اغلب کشمکش‌ها به جنبه زیبایی و دلفریبی زن اشاره شده‌است، در تعداد اندکی از آن‌ها، تنها زن از این ویژگی و امتیاز برای تسلط بر جنس مذکر استفاده کرده‌است؛ نظیر کشمکش مرد بازرگان با زنش (منشی، ۱۳۸۶: ۲۱۴).

جدول ۶- انواع کشمکش براساس جنس شخصیت

جنسیت کشمکش	بسامد
مذکر با مذکر	۶۱
مذکر با مؤنث	۱۲
مؤنث با مؤنث	۰

۶-۲. منابع حفظ نظم موجود یا تغییر در کشمکش

در کشمکش‌های ذکرشده، چشمگیرترین عواملی که سبب برقراری نظم موجود و ابتدایی داستان یا موجب دگرگونی جریان کشمکش شده‌اند، عبارت‌اند از: استفاده از نیروی خرد و چاره‌اندیشی، به‌کارگیری قدرت جسمانی، اعمال نفوذ و قدرت با استفاده از جایگاه سیاسی - اجتماعی.

در موقعیت‌هایی که نفع‌برنده در دو وضع موجود و تغییر یافته فقط یک شخص است، معمولاً شخصیت‌های مثبت همچون کلبله، فزیه، بوزینه، وزیر اول بومان و شیر، با نمود برجسته و با به‌کارگیری اندیشه و نفوذ سیاسی اجتماعی، جریان رویدادها و گره‌گشایی داستان را مطابق میل خود پیش می‌برند؛ اما این وضعیت درباره قدرت جسمانی به‌شکل ستیز میان شخصیت‌های مثبت (درودرگر، کفشگر و...) و شخصیت‌های منفی (گربه، راسو و...) نمایش داده شده‌است که هر کدام با استفاده از چنین نیرویی، می‌کوشند بخشی از منفعت درون کشمکش را از آن خود کنند. در واقع، با وجود اینکه در سطح ظاهری کشمکش‌ها و در راستای هدف تعلیمی آنها، تأکید بر کم‌آزاری و مدارا شده‌است؛ اما بُنلاد بسیاری از کشمکش‌ها براساس قدرت و خشونت جسمانی به نقطه گره‌گشایی می‌رسد: «نظریه خشونت در طرح داستان و گفت‌وگوهای اصلی کلبله و دمنه جایگاه خاصی دارد. شیخ مرگ، مثله‌کردن و تهدید به قتل فضای بسیاری از داستان‌ها را پر کرده‌است» (دهقانیان و نیکوبخت، ۱۳۹۰: ۱۴۲) که نمونه‌های این موضوع، قتل و خونریزی موجود در کشمکش‌های ماهی‌خوار با پنج‌پایک (منشی، ۱۳۸۶: ۸۴)، شیر با خرگوش (همان: ۸۶)، زاغ و گرگ و شیر با شتر (همان: ۱۰۷) و شیر با خر (همان: ۲۵۶) است. در این باره، فرد قدرتمند بر حریف ضعیف خود غلبه می‌یابد؛ اما در اغلب موارد، این پیروزی همراه با پشیمانی و حسرت است؛ زیرا براساس تصمیم سنجیده به دست نیامده‌است؛ مانند تأسّف و حسرت شیر و زاهد پس از کشتن همدم شایسته خود، یعنی

گاو و راسو (ر.ک همان: ۶۲ و ۲۶۵). برجستگی این عامل و نیز برجستگی ارزش حفظ جان و کشمکش‌های جسمانی در کشمکش‌های کلیده‌ودمنه، می‌تواند تعریضی به خوی قداره‌کش، خون‌خواه و جنگ‌طلب حاکمان ترکناز هم‌عصر مترجم داشته باشد؛ به طوری که در اعمال مجازات‌های مجرمان و محکومان پا را از حد مجازات‌های اسلامی فراتر می‌نهد و بدون توجه به حقوق انسانی آنان، به انواع مجازات‌های دلخراش دست می‌زده‌اند (ر.ک بهرامی‌نیا، ۱۳۹۲: ۸۲).

از سوی دیگر، مخاطب در موقعیت‌هایی که نفع‌برنده در دو وضعیت موجود و تغییر یافته، دو شخصیت متفاوت است، به الگوی تعمیم‌پذیری از ورود شخصیت‌های مثبت و منفی به جریان داستان دست می‌یابد؛ بدین معنی که در وضع موجود و اولیه داستان، شخصیت‌های منفی همچون باخه، نزدیکان شیر، زرگر، شخص امین، غلام، پزشک مدعی، شیر و بومان، سعی دارند با حضور پررنگ خود و با به‌کارگیری دسیسه، زور بازو یا نفوذ سیاسی - اجتماعی‌شان، روال رویدادها را طبق خواسته خود به سرانجام برسانند؛ اما این تحکم و تسلط عمدتاً با خردورزی و چاره‌اندیشی شخصیت‌های مثبت نظیر بوزینه، شغال زاهد، سیاح، بازرگان، زن مرزبان، پادشاه، خرگوش و زاغان ختنی می‌شود و جریان حوادث به نفع این شخصیت‌ها به گره‌گشایی و پایان می‌رسد.

وضعیت اولیه کشمکش

شخصیت‌های منفی با استفاده از قدرت جسمانی و نفوذ سیاسی اجتماعی و با درگیری بیرونی و خشونت‌آمیز غالب هستند.



وضعیت ثانویه کشمکش

شخصیت‌های مثبت با بهره‌مندی از نیروی خرد و با مجادله یا چاره‌اندیشی غالب هستند.

همچنین، دو منبع چاره‌اندیشی و قدرت جسمانی، اغلب توسط طبقه فرودست جامعه به کار می‌روند و از منبع قدرت سیاسی - اجتماعی نیز طبقه فرادست غالباً برای سلطه بر طبقه فرودست استفاده می‌کند. در این زمینه، در بسیاری از کشمکش‌ها، تنها یکی از این عوامل سبب ثبات یا تغییر جریان رویدادها می‌شود؛ اما در تعداد کمی از آنها با حضور بیش از یک عامل، جریان رویدادها دچار تغییر و تحولات متعددی می‌شود؛ مثلاً در کشمکش پادشاه و سیاح، در وضع اولیه داستان، پادشاه با استفاده از پایگاه سیاسی - اجتماعی، سیاح را به اتهام قتل دختر خود به زندان می‌افکند؛ اما در وضع ثانویه، سیاح با راهنمایی مار از نیروی چاره‌گری استفاده و خود را این اتهام مبرا می‌کند (ر.ک منشی، ۱۳۸۶: ۴۰۴). در کشمکش بومان و زاغان (همان: ۱۹۱) یا فیل‌ها و خرگوش‌ها (همان: ۲۰۲)، ابتدا قدرت جسمانی سبب پیروزی و کسب منفعت می‌شود؛ اما در وضع ثانویه، نیروی اندیشه بر نیروی جسم فایق می‌آید. در ضمن، سفارش مکرر به خردورزی به‌عنوان منبع اصلی حفظ نظم یا ایجاد تغییر در جریان کشمکش‌ها «با وجود رکود علوم عقلی و ممانعت شدید حکومت غزنویان و سلجوقیان از رواج عقل‌گرایی برخلاف رونق تعصبات دینی، نشان‌دهنده فریادهای پنهان مترجم برای بیدارکردن ملتی است که در اثر فشارهای حکومت از عقل و خرد دور

شده و به سمت امور خرافی و بی‌ارزش کشیده شده بودند» (خراسانی و عنافروش، ۱۳۹۴: ۶۹). در واقع، هم‌سویی مذهبی و عقیدتی نصرالله منشی با حاکمان ترک‌نژاد به هیچ وجه منجر به خردگریزی او نمی‌شود؛ زیرا خردی که در کشمکش‌های کلیده‌ودمنه بیان می‌شود، عقل معاش یا عقل سیاست است؛ نه خردی که محصول تقابل کلام اشعری و معتزلی است. همان‌گونه که با دقت در نتایج کشمکش‌های مطرح‌شده در کلیده‌ودمنه می‌توان گفت اغلب آنها حالت تحذیری دارند و در پایان بیشتر باب‌ها، ضمن دعوت خواننده به تدبیر و غور در حکایات و عبور از سطح ظاهری آنها و کسب تجربه، مخاطب را از خصایص نفسانی مذموم برحذر می‌دارند.

جدول ۷- مهم‌ترین منابع حفظ نظم موجود یا تغییر در کشمکش

منابع کشمکش	بسامد
تدبیر و چاره‌اندیشی	۳۴
قدرت جسمانی	۲۲
جایگاه سیاسی - اجتماعی	۱۱

۷-۲. نفع‌برنده از وضع موجود یا وضعیت جدید

شخص نفع‌برنده در کشمکش‌های کلیده‌ودمنه صرفاً شخص غالب و مسلط نیست. در واقع، در موارد بسیاری اگرچه شخص مغلوب در نگاه اول و ظاهراً تحت تحکم و سیطره حریف خود است، پس از پیشروی رویدادها و نزدیک شدن به گره‌گشایی داستان، اوضاع به سود او تغییر می‌یابد و شخص غالب به شکلی دیگر در تسلط و غلبه او درمی‌آید. این تغییر وضعیت در حدود سی کشمکش روی داده‌است؛ مثلاً در کشمکش میان کلیده‌ودمنه (منشی، ۱۳۸۶: ۶۱)، صیادان و ماهی‌ها (همان: ۹۱)، مهمان زاهد با موش (همان: ۱۷۰)، برهمنان و پادشاه هند (همان: ۳۵۱)، کبوتر نر و ماده (همان: ۳۷۸) و زرگر و سیاح (همان: ۴۰۴). از سوی دیگر، در شمار اندکی از کشمکش‌ها، هیچ‌کدام از طرفین درگیری، بهره و منفعتی از وضع موجود یا تغییر یافته نمی‌برند؛ بلکه شخص سومی با ایجاد زمینه کشمکش یا میانجی‌گری در آن، حداکثر منفعت را از آن خود می‌کند؛ مثلاً در جریان کشمکش بین کبک انجیری با خرگوش بر سر سکونتگاه، آن دو پس از مجادله با هم تصمیم می‌گیرند که مشکل خود را نزد قاضی عادل، یعنی گربه زاهد ببرند. گربه زاهد نیز با تظاهر به دینداری و پارسایی، اعتماد آنها را جلب می‌کند. پس از اثرگذاری دمدمه و افسون‌گره، آن دو بی‌محابا و با خیال آسوده نزدیکش می‌شوند. گربه هم با یک حمله هر دو را شکار می‌کند (ر.ک همان: ۲۰۸). نمونه دیگر این وضعیت را می‌توان در کشمکش میان مار و غوک مشاهده کرد که در جریان آن، شخص سومی به نام راسو، هر دو را طعمه خویش می‌کند (ر.ک همان: ۱۱۸) یا در کشمکش دیو و دزد بر سر کشتن زاهد یا دزدیدن اموال او، شخص دیگری، یعنی همان زاهد سود می‌برد (ر.ک همان: ۲۱۵).

در تعدادی از کشمکش‌ها نیز هیچ نفع‌برنده‌ای وجود ندارد و دو طرف کشمکش پس از ستیز جسمانی، همدیگر را می‌کشند؛ همچون کشمکش صیاد و خوک که هر دو سبب نابودی هم می‌شوند و گرگ هم که آنان را به‌عنوان غذا برای روزگار محنت و سختی در کنجی ذخیره می‌کند، توسط زه کمان خفه و کشته می‌شود (ر.ک همان: ۱۷۲). در کشمکش میان راسو و مار، راسو توانست جان فرزند زاهد را نجات دهد؛ اما پس از بازگشت زاهد به خانه و دیدن بدن خون‌آلود راسو، تصور می‌کند به فرزندش آسیب زده‌است. او با این گمان، راسو را نابود می‌کند و پس از سالم دیدن فرزند و جسم تکه‌تکه مار، مدهوش‌وار، روی و سینه خود را می‌خراشد و نادم می‌شود (ر.ک همان: ۲۶۴).

۲-۸. نوع منفعت کسب‌شده در کشمکش

از آنجا که هدف از بیان کشمکش‌ها و به‌طور کلی، حکایت‌های کلیله‌و‌دمنه، ارائه اندرز و راهکارهایی در زمینه بهبود زندگی اجتماعی و فردی است و نیز از آنجا که این کتاب به گونه‌ای بازتاب‌دهنده وضعیت سیاسی - اجتماعی جامعه است، چشمگیرترین منفعت کسب‌شده در کشمکش‌ها در مرتبه نخست، حفظ و صیانت از جان است. درواقع، «تقابل بنیادین کتاب کلیله‌و‌دمنه میان میرایی و نامیرایی است... در این تقابل، سویه غالب و مقتدر، نامیرایی و مرگ وجه مغلوب است» (صدیقی، ۱۴۰۰: ۲۳۵). این منفعت اغلب در کشمکش‌های غیرمستقیم (مجادله، گفت‌وگو و نصیحت) و در میان طبقه فرودست جامعه مشهود است. دومین منفعت برجسته، دستیابی به مال و ثروت نظیر طلا، کیسه پول، لباس گران قیمت و آهن است که غالباً در کشمکش‌های غیرمستقیم دیده می‌شود که طرف مقابل می‌کوشد با استفاده از نیروی چاره‌گری، این منفعت را از آن خود کند و سرانجام مخاطب درمی‌یابد که مال‌اندوزی و آزمندی در کسب ثروت، عاقبت شوم و ناگواری دارد. درواقع، تکرار و اهمیت این منفعت در کشمکش‌ها و نتیجه زیان‌آور آن، نشان‌دهنده این است که «گرایش به جمع مال و افزودن ثروت و ولع تمام به سیم و زر بر روحیه مردم قرن ششم چیره است و مردم با رباخواری، به خرید خانه و ملک و باغ و افزون کردن آنها پرداخته‌اند و بر اثر آن، ریسمان دوستی را پاره می‌کنند و به ستیز با یکدیگر می‌پردازند» (حسنی، ۱۳۹۱: ۲۳۳).

در مرتبه بعدی، صیانت از خانواده به‌ویژه همسر، منفعت برجسته کشمکش‌های کلیله‌و‌دمنه است که این موضوع در هر دو شکل کشمکش جسمانی و غیرجسمانی و غالباً در طبقه فرودست مشهود است. درحقیقت، یکی از اعضای خانواده (معمولاً مرد) سعی دارد از طریق قدرت جسمانی یا نفوذ سیاسی - اجتماعی، از همسر و فرزندان خود محافظت کند؛ مثلاً در ماجرای درگیری میان فزوه و پادشاه، ازیک‌سو، فزوه قصد دارد انتقام فرزند خود را از شاهزاده بگیرد و از سوی دیگر، پادشاه نیز قصد دارد انتقام کوری پسرش را از فزوه بگیرد (ر.ک منشی، ۱۳۸۶: ۲۸۵). غوک برای نگهداری فرزندانش از سوءقصد مار، تصمیم

دارد او را به وسیلهٔ راسو نابود کند (ر.ک همان: ۱۱۸). نمونه‌های دیگر این موضوع در کشمکش میان زاهد و راسو (همان: ۲۶۴) و سیاح و پادشاه (همان: ۴۰۴) مشاهده می‌شود.

همچنین، منفعت دستیابی به غذا و خوراک به‌طور حداکثری در کشمکش‌های طبقهٔ فرودست جامعه مشاهده می‌شود که فرودستان جامعه، برای امرار معاش به کشتار و آسیب‌زدن به دیگری روی می‌آورند؛ چنان‌که ماهی‌خوار برای قوت لایموت از ماهی‌های آبیگیر با استفاده از ترفندی بهره می‌برد (ر.ک همان: ۸۴) یا زاغ و گرگ برای رفع گرسنگی‌شان تصمیم می‌گیرند با حیله، شتر را خوراک خود سازند (ر.ک همان: ۱۰۷). نمونه‌های دیگر در دست‌اندازی صیاد بر باخه و آهو (همان: ۱۸۴) و مار بر فرزندان زاغ (همان: ۸۱) مشهود است؛ از این رو، عامل اصلی کسب این منفعت با اختلاف بسیار نسبت به سایر منابع، قدرت جسمانی است که در کنار آن، بهره‌گیری از از نیروی خرد و چاره‌گری برای دستیابی سریع‌تر و آسان‌تر به غذا و خوراک توصیه شده‌است. در این زمینه باید گفت برجستگی منافعی که جزء نیازها و اقتضائات اولیهٔ یک فرد برای زندگی کردن است؛ مثل امنیت، خوراک و خانواده، نمودار عصر مترجم است. در واقع، با توجه به ترجمهٔ آزاد کلیله و دمنه و دخل و تصرف نصرالله منشی در آن و با توجه به تأثیر محیط و اوضاع اجتماعی قرن ششم در سازندگی شخصیت نصرالله منشی، می‌توان گفت «قرن پنجم و ششم، دورهٔ قتل و غارت و آزار و ناامنی است؛ دوره‌ای که تاراج و ایداء و هتک نوامیس و قتل رجال امری عادی است و از این رو، نصرالله منشی تجربه‌ها و اندیشه‌های خویش و اوضاع اجتماعی مردم عصر خود را در قالب حکایت‌ها و تمثیل‌های زیبا به خواننده نشان می‌دهد» (سجادی و پزشکی، ۱۳۹۳: ۴۸).

جدول ۸- مهم‌ترین منافع کسب‌شده در کشمکش

بسامد	منفعت کشمکش
۱۹	حفظ جان
۱۳	کسب مال و ثروت
۱۳	حفظ خانواده
۱۲	کسب غذا و خوراک

۳. نتیجه‌گیری

پس از بررسی و تحلیل انواع کشمکش و مؤلفه‌های آن، می‌توان گفت در حکایت‌های کلیله و دمنه، چشمگیرترین پیکارها، بین انسان با انسان است که بیشتر بر جنبهٔ فرافردی و بُعد جسمانی آنها تأکید شده‌است. این امر نشان‌دهندهٔ اهمیت تعاملات اجتماعی و ملموس‌سازی روابط بین‌فردی و برجسته‌سازی مشکلات مشاغل جامعهٔ مدنظر است. در مرتبهٔ بعد، کشمکش انسان با خود و کشمکش ذهنی برجسته شده که از جمله دلایل آن، از دست‌رفتن آرامش و انسجام اجتماعی در روزگار مترجم است. همچنین، به سبب

رواج تقدیرگرایی در جامعه، شخصیت‌ها در کشمکش با نیروهای ماورای طبیعت، همواره مقهورند. از سوی دیگر، چهار عامل سکونتگاه، ثروت، نیرنگ و شیوه تعامل زن و شوهر اهمیت بیشتری در ایجاد کشمکش دارند. برجستگی عوامل اقتصادی (خانه و پول) به سبب شکاف طبقاتی گسترده و ایجاد انواع هرج‌ومرج اقتصادی در جامعه و نقش کلیدی نیرنگ در ایجاد کشمکش‌ها، به دلایل متعدد از جمله تسخیرشدگی مکرر ایران و اجرای سیاست تفرقه‌افکنی و حکمرانی از جانب سلاطین ترک است. همچنین، بیشترین کشمکش بر سر سه ارزش خیانت در برابر اعتماد، عشق به خانواده در برابر حفاظت از پادشاهی و حفظ جان در برابر تأمین غذا و حفظ دوستی ایجاد شده است. برجستگی چنین ارزش‌هایی، نشان‌دهنده رواج ترس و اضطراب توسط سلاطین مستبد در جامعه‌ای است که چندهمسری بودن و وجود حرم‌سرا، یکی از فراگیرترین مسائل درباری آن است. در حوزه طبقات اجتماعی، کشمکش طبقه پیشه‌وران و فرودستان جامعه به‌ویژه مشاغلی نظیر صیادی بسامد زیادی دارد. همچنین، اغلب کشمکش‌ها، بین جنس مذکر است و زنان با هم کشمکشی نداشته‌اند که این امر به ساختار مردسالار جامعه بازمی‌گردد. در کشمکش جنس مذکر و مؤنث، اغلب زنانی مسن و از طبقه اشراف بر جنس مذکر پیروز می‌شوند و نگاهی مثبت به آنها شده است. البته در برخی دیگر از کشمکش‌ها، زنان جوانی دیده می‌شود که به سبب طبقه دون‌پایه‌شان به خیانت و فساد روی آورده‌اند که این تفاوت نگاه، متأثر از گفتمان فرادستان جامعه بر ادبیات و حضور کم‌رنگ زنان در سطح جامعه بوده است. از سویی، چشمگیرترین عواملی که سبب برقراری نظم ابتدایی یا دگرگونی جریان کشمکش‌ها شده‌اند، نیروی خرد، قدرت جسمانی و پایگاه سیاسی - اجتماعی است. برجستگی عامل خرد، نشان‌دهنده فریادهای پنهان مترجم برای بیدارکردن ملتی است که در اثر فشارهای حکومت از خردورزی دور شده و به سمت امور خرافی و بی‌ارزش رفته‌اند. برجستگی عامل قدرت جسمانی و ارزش حفظ جان و کشمکش‌های جسمانی، همگی می‌توانند تعریضی به خوی قداره‌کش، خون‌خواه و جنگ‌طلب حاکمان ترکتاز داشته باشند که کشتن و مثله‌کردن، ابزار اصلی آنها در تحمیل مطالباتشان بود.

منابع

- ابوت، اچ. پورتر (۱۳۹۷). *سواد روایت*، ترجمه رویا پورآذر و نیما م. اشرفی، تهران: نشر اطراف.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۳). *جستاری چند در فرهنگ ایران*، تهران: فکر روز.
- بهرامی‌نیا، امید (۱۳۹۲). «خشونت و شکنجه در عصر سلجوقی»، *پژوهشنامه تاریخ و تمدن اسلامی*، سال نهم، شماره هفدهم، صص ۱۰۰-۸۱.
- تقوی، محمد (۱۳۷۶). *حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی*، تهران: روزنه.
- حسینی، احمد (۱۳۹۱). *اجتماعیات در شعر فارسی قرن ششم*. رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

- حسینی، مریم (۱۳۸۸). *ریشه‌های زن ستیزی در ادبیات فارسی*، تهران: چشمه.
- حیدری، علی (۱۳۸۵). «سیمای زن در کلیله و دمنه نصرالله منشی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*، سال پانزدهم و شانزدهم، شماره ۵۶ و ۵۷، صص ۵۱-۶۵.
- خراسانی، محبوبه و نعنافروش، فاطمه (۱۳۹۴). «رویکرد نصرالله منشی به ادب تعلیمی در دوره سلجوقی»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۸۲-۶۱.
- خلیفه، فرزانه (۱۳۹۰). *نقد و بررسی جامعه‌شناختی کلیله و دمنه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یاسوج، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- دهقانیان، جواد (۱۳۹۰). «بررسی کارکرد قدرت و فرهنگ سیاسی در کلیله و دمنه»، *متن‌شناسی ادب فارسی*، دوره ۳، شماره ۱ (پیاپی ۱)، صص ۹۱-۱۰۴.
- دهقانیان، جواد و نیکویخت، ناصر (۱۳۹۰). «نقد اخلاق‌گرایی در کلیله و دمنه با نیم‌نگاهی به اندیشه‌های ماکیاولی»، *فصلنامه نقد ادبی*، سال ۴، شماره ۴، صص ۱۵۹-۱۳۳.
- رضاقلی، علی (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی خودکامگی (تحلیل جامعه‌شناختی ضحاک ماردوش)*، تهران: نشر نی.
- زیدان، جرجی (۱۳۹۴). *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.
- سجادی، فرشته و پزشکی، ناهیدسادات (۱۳۹۳). «بازتاب جبر و اختیار در کلیله و دمنه بهرام شاهی»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی*، سال دوم، شماره ۸، صص ۵۷-۴۶.
- سنایور، حسین (۱۳۹۳). *ده جستار داستان نویسی*، تهران: چشمه.
- شریف‌پور، عنایت‌الله؛ محمدی، محتشم (۱۳۸۷). «اندیشه سیاسی در کتاب کلیله و دمنه»، *نشریه نشر پژوهی ادب فارسی*، دوره جدید، شماره ۲۴ (پیاپی ۲۱)، صص ۵۳-۶۹.
- صدیقی، مصطفی (۱۴۰۰). «بوطیقای کلیله و دمنه تحلیل سازوکارهای حاکم بر مقدمه‌ها و متن کلیله و دمنه»، *فصلنامه نقد و نظریه ادبی*، سال ۶ (پیاپی ۱۲)، صص ۲۳۸-۲۱۵.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۴). *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، تهران: نشر نی.
- قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۸۰). *استبداد در ایران*، تهران: نشر اختران.
- قدیانی، عباس (۱۳۸۴). *تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره غزنویان تا پایان خوارزمشاهیان*، تهران: فرهنگ مکتوب.
- کوئن، بروس (۱۳۹۰). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه و اقتباس غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
- گریفیث، کلی (۱۴۰۰). *چرا مردم آثار ادبی را می‌خوانند*، ترجمه سعید رفیعی خضری، تهران: چشمه

- محجوب، محمدجعفر (۱۳۴۹). *دربارهٔ کلیله و دمنه*، تهران: خوارزمی.
- محمدزاده، عباس؛ مهروزان، آرمن (۱۳۷۵). *رفتار سازمانی نگرش اقتضایی*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- مره‌ای، منصور و جدیدالاسلامی، حبیب (۱۳۹۸). «تصویرسازی و تصویرآرایی فریبکاری در شاهنامه فردوسی و کلیله دمنه نصرالله منشی (مغول و تیموری)»، *مطالعات هنر اسلامی*، سال پانزدهم، شماره ۳۵، صص ۳۶۷-۳۴۷.
- مزداپور، کتایون (۱۳۸۰). *روایتی دیگر از داستان دلیلهٔ محتاله و مکر زنان*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- مک‌کی، رابرت (۱۳۹۲). *داستان: ساختار، سبک و اصول فیلمنامه‌نویسی*، تهران: هرمس.
- منشی، ابوالمعالی نصرالله (۱۳۸۶). *ترجمهٔ کلیله و دمنه*، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.
- میرصادقی، جمال (۱۳۸۸). *عناصر داستان*، تهران: سخن.

References

- Abbott, H.P. (2018). *Literacy of Narration*, translated by Roya Pourazar and Nima M. Ashrafi, Tehran: Atraf Publishing.
- Azadanloo, H. (2005). *Introduction to Basic Concepts of Sociology*, Tehran: Ney Publishing.
- Bahar, M. (1994). *A Few Essays on Iranian Culture*, Tehran: Fekr Rooz.
- Bahraminiya, O. (2013). "Violence and Torture in the Seljuk Era", *Research Journal of Islamic History and Civilization*, 9 (17), 81-100.
- Cohen, B. (2011). *Fundamentals of Sociology*, translated and adapted by Gholam Abbas Tavasoli and Reza Fazel, Tehran: Samt.
- Dehghanian, J. (2011), "Investigating the Function of Power and Political Culture in Kalileh and Damneh", *Persian Literature Textology*, 3(1), 91-104.
- Dehghanian, J. Nikobekhat, N. (2011). "Criticism of Moralism in Kalileh and Damneh with a Glance at Machiavellian Thoughts", *Quarterly Journal of Literary Criticism*, 4 (4), 133-159.
- Ghazi Moradi, H. (2001). *Despotism in Iran*, Tehran: Akhtaran Publishing.
- Ghadyani, A. (2005). *History, Culture and Civilization of Iran from the Ghaznavid Period to the End of the Khwarazm Shahi Dynasty*, Tehran: Farhang Maktoob.
- Griffiths, K. (2021). *Why do people read literary works*, translated by Saeed Rafiei Khezri, Tehran: Cheshme.
- Hassani, A. (2012). *Social aspects in Persian poetry of the sixth century*. Doctoral thesis in Persian language and literature, Imam Khomeini International University.

- Hosseini, M. (2009). *The Roots of Misogyny in Persian Literature*, Tehran: Cheshme.
- Heydari, A. (2006). "The Image of Women in Kalileh and Damneh by Nasrallah Monshi", *Al-Zahra University Humanities Quarterly Journal*, 15 & 16 (56 -57), 51-65.
- Khalife, F. (2011). *Critique and sociological study of Kalileh and Damneh*, Master's thesis, Yasuj University, Faculty of Literature and Humanities
- Khorasani, M., Nanaforosh, F. (2015). "Nasrallah Monshi's Approach to Educational Literature in the Seljuk Period", *Educational Literature Research Journal*, 7 (26), 82-61.
- Mahjoub, M.J. (1960). *About Kalileh and Damneh*, Tehran: Kharazmi.
- McKay, R. (2013). *Story: Structure, Style and Principles of Screenwriting*, Tehran: Hermes.
- Marraei, M., Jadid-ol-Islami, H. (2019). "Imagery and Imagery of Deception in Ferdowsi's Shahnameh and Kalileh and Damneh by Nasrollah Monshi (Mongol and Timurid)", *Islamic Art Studies*, 15 (35), 347-367.
- Mazdapour, K. (2000). *Another version of the story of the deceitful Dalilah and the cunning of women*, Tehran: Roshangaran and Women's Studies.
- Mirsadeghi, J. (2009). *Elements of Story*, Tehran: Sokhan
- Mohammadzadeh, A., Mehrojan, A. (1996). *Organizational Behavior Contingency Attitude*, Tehran: Allameh Tabatabaei University.
- Monshi, A.N. (2007). *Translated by Kalileh and Damneh*, edited by Mojtaba Minovi, Tehran: Amirkabir.
- Rezagholi, A. (2010). *Sociology of Autocratism (Sociological Analysis of Zahhak Mardush)*, Tehran: Ney Publishing.
- Seddighi, M. (2021). "The Poetics of Kalileh and Damneh: Analysis of the Mechanisms Governing the Introductions and Text of Kalileh and Damneh", *Quarterly Journal of Literary Criticism and Theory*, 6 (12), 215-238.
- Sharifpour, E., Mohammadi, M. (2008). "Political Thought in the Book of Kalileh and Damneh", *Journal of Persian Literature Prose Studies*, 24 (21), 53-69.
- Sajjadi, F. Pezeshki, N. (2014). "Reflection of Determinism and Freedom in Kalileh and Damneh by Bahram Shahi", *Quarterly Journal of Literary and Rhetorical Research*, 2 (8), 46-57.
- Sanapour, H. (2014). *Ten Essays on Writing Fiction*, Tehran: Cheshme.
- Taghavi, M. (1997). *Animal Tales in Persian Literature*, Tehran: Rozaneh.
- Zidan, J. (2015). *History of Islamic Civilization*, Translated by Ali Javaher Kalam, Tehran: Amirkabir.